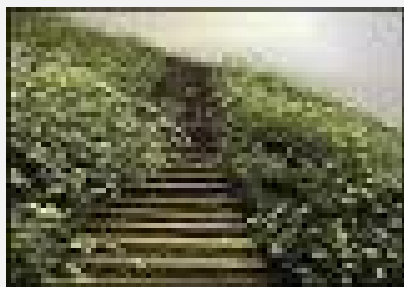


[رابطه توحید و علم / کارت ورودی توحید علم است](#)

اسلام جامعه ای می خواهد مستقل، آزاد، عزیز، سربلند و مستغنی و آنچه در شرایط کنونی قطعی است این می باشد که بدون علم نمی توان چنین جامعه ای داشت.



خبرگزاری مهر- اسلام جامعه ای می خواهد مستقل، آزاد، عزیز، سربلند و مستغنی و آنچه در شرایط کنونی قطعی است این می باشد که بدون علم نمی توان چنین جامعه ای داشت.

اسلام دینی است که با توحید آغاز می گردد و توحید مساله ای است تعقلی که تقلید و تعبد در آن جایز نیست. حتماً باید تعقل و استدلال در آن باشد. اگر اسلام از ثنویت یا تثلیث آغاز شده بود نمی توانست ورود در آن مبحث را آزاد بگذارد، چاره ای نبود از این که آن را منطقه ممنوع اعلام کند. ولی از توحید آغاز شده که نه تنها آن را منطقه ممنوعه نمی داند، بلکه منطقه ای لازم ورود می داند. مدخل این منطقه هم از نظر قرآن تمام صفحه کائنات است، کارت ورودی اش علم و تحصیل است. ابزار و وسیله گردش در این منطقه قوه تفکر و استدلال منطقی است.

اینها موضوعاتی است که قرآن برای مطالعه عرضه می داد و اما این که مسلمین کمتر موفق شدند در این موضوعات به مطالعه بپردازند و بیشتر مطالعات خود را موضوعاتی قرار دادند که هیچگونه توصیه ای از طرف قرآن نشده، مطلب دیگری است و علل خاصی دارد. اینها همه قرائنی است که نشان می دهد نظر اسلام منحصرأ علوم دینی نیست.

از قدیم این مطلب مطرح بوده که آیا منظور اسلام از علمی که آن را فرضیه و واجب خوانده چیست و هر دسته ای خواسته اند کلام پیغمبر را به همان رشته معلوماتی که خودشان داشته اند تطبیق کنند. متکلمین می گفته اند مقصود خصوص علم کلام است. مفسرین می گفته اند مقصود علم تفسیر است. محدثین می گفته اند مقصود علم حدیث است. فقها گفته اند مقصود علم فقه است که هر کسی باید یا مجتهد باشد یا مقلد، علمای اخلاق گفته اند مقصد علم اخلاق و اطلاع از منجیات و مهلکات است، متصوفه می گفته اند مقصود علم سیر و سلوک و توحید علمی است. غزالی بیست قول در این زمینه نقل می کند، ولی همان طور که محققین گفته اند مقصود هیچ یک از این علوم بالخصوص نیست. اگر مقصود علم خاص می بود پیغمبر به همان علم تصریح می کرد. مقصود هر علم مفید و سودمندی است که به کار می خورد.

توجه به یک نکته اشکال را به خوبی حل می کند و کاملاً می توانیم بفهمیم که منظور اسلام چیست. اولاً باید دید علم از نظر اسلام هدف است یا وسیله، بدون شک بعضی از علوم هدف است، مثل معارف ربوبی و خداشناسی و آنچه از شئون خداشناسی شمرده می شود مثل معارف مربوط به خودشناسی و معاد از اینها که بگذریم سایر علوم وسیله اند نه هدف؛ یعنی هر علمی از آن جهت لازم و مفید است که مقدمه و وسیله انجام یک عمل و یک وظیفه است. همه علوم دینی- به استثنای معارف الهی- از قبیل علم اخلاق و فقه و حدیث همین طورند یعنی همه وسیله اند نه هدف، تا چه رسد به مقدمات ادبی و منطق معمولی که در مدارس دینی خوانده می شود.

لهذا فقها و علمای دینی اصطلاحی دارند، می گویند: وجوب علم، تهیوی است یعنی از آن جهت واجب است که آمادگی و تهیو می دهد برای کاری که موافق با منظور اسلام است حتی خود یاد گرفتن مستقیم مسایل علمی، یعنی احکام و مسایل نماز و روزه و خمس و زکات و حج و طهارت که معمولاً در رساله های علمیه ذکر می شود فقط برای این است که شخص بتواند و آماده بشود که وظیفه دیگری را درست انجام دهد مثلاً یک نفر مستطیع که می خواهد به حج برود باید یاد بگیرد تا آمادگی و تهیو پیدا کند که مراسم حج را درست انجام دهد. وقتی که این اصل را دانستیم، نوبت به اصل دیگر و مطلب دیگر می رسد و آن اینکه اسلام چگونه دینی است و چه هدف هایی دارد و چگونه جامعه ای می خواهد .

منظورهای اسلامی چه اندازه وسعت دارد آیا اسلام تنها به 4 تا مسایل عبادی و اخلاقی قناعت کرده؟ یا دامنه و دستورهای این دین گسترش یافته است در همه شئون حیاتی بشر و به همه شئون حیاتی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بشر نظر دارد و در همه آنها منظور و هدف هایی دارد که باید تامین گردد. آیا اسلام می خواهد که جامعه مسلمان مستقل باشد یا اهمیت نمی دهد که زیر دست و محکوم باشد؟ بدیهی است که اسلام جامعه ای می خواهد مستقل، آزاد، عزیز، سربلند، مستغنی و باز مطلب سومی را هم باید بشناسیم و توجه کنیم و #171؛ اینکه امروز دنیا بر پاشنه علم می چرخد کلید همه حوایج، علم و اطلاع فنی است. بدون علم نمی توان جامعه ای غنی، مستقل، آزاد، عزیز و قوی به وجود آورد. خود به خود نتیجه می گیریم که در هر زمانی، خصوصاً در این زمان فرض و واجب است بر مسلمین که همه علوم را که مقدمه رسیدن به هدف های اسلامی است فرا گیرند و کوتاهی نکنند.

با این مقیاس می توانیم همه علوم مفید را علوم دینی بدانیم می توانیم بشناسیم چه علمی واجب کفایی است و چه علمی واجب عینی، می توانیم بفهمیم که در یک زمان ممکن است خواندن یک علمی از اوجب واجبات باشد و در زمانی دیگر آن طور نباشد.